



به همت پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و با همکاری دانشگاه قم & #171; هم‌اندیشی معرفت‌شناسی دینی؛ با موضوع گفت‌وگوی فیلسوفان مسلمان و مسیحی، 31 فروردین‌ماه در تهران و 1 و 2 اردیبهشت‌ماه در قم برگزار شد. در این هم‌اندیشی اندیشمندان داخلی و خارجی با موضوع گفت‌وگوی فیلسوفان مسلمان و مسیحی درباره معرفت‌شناسی دینی به تبادل نظر پرداختند. نخستین روز این هم‌اندیشی، 31 فروردین در تالار فردوسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران و ادامه هم‌اندیشی در روزهای اول و دوم اردیبهشت در تالار مفید دانشگاه قم برگزار شد. همایش در روز اول با سخنرانی حجت‌الاسلام والمسلمین علی‌اکبر صادقی‌رشاد، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی و رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی افتتاح شد. آنچه در پی می‌آید کوتاه‌شده‌ای از گزارش نشست صبح روزاول این هم‌اندیشی است.

در ابتدای این همایش دکتر حمیدرضا آیت‌اللهی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ضمن تشکر از حضار در مورد علت برگزاری این همایش گفت: این همایش برگزار شده تا فرهنگ‌های غنی مسلمانان و مسیحیان به یکدیگر نزدیک شوند و با هم گفت‌وگو کنند. زمینه مذاکرات در هر 2 بخش که عاملی برای نزدیکی به هم است وجود دارد تا بتوانند از دستاوردهای یکدیگر بهره ببرند. این کنفرانس به پیشنهاد بعضی دوستان مانند دکتر برنارد برگزار شد که ابراز تمایل کردند چنین گفت‌وگویی داشته باشیم. امیدوارم یک گفت‌وگوی مناسب را در این چند روز داشته باشیم و نتیجه آن بتواند دستاوردهای مفیدی برای جامعه علمی و تقریب بین ادیان و مذاهب داشته باشد.

سپس حجت‌الاسلام رشاد به‌عنوان نخستین سخنران به ارائه مقاله خود با عنوان & #171; فلسفه معرفت دینی؛ پرداخت و گفت: این مقاله درصدد پیشنهاد یک رشته دانشگاهی جدید با عنوان فلسفه معرفت دین و طرح ضرورت تأسیس فلسفه معرفت دینی و تشریح محورها و مسائل مهم قابل بحث در این دانشواره است. اخیراً مباحث زیادی درباره معرفت دینی در مجامع علمی جهان غرب مطرح شده است و با توجه به حجم فراوان موضوعات در زمینه معرفت دینی، می‌توان علمی جدید را تحت عنوان فلسفه معرفت دینی تدوین کرد؛ آنگاه که با کاربست منطق فهم دین، دستگاه معرفتی منسجمی را به دست می‌آوریم.

برای تحلیل ماهیت و مختصات آن و تعیین کیفیت تکون، تکامل و تطور این دستگاه و تشخیص انواع و علل تطور آن، ارزش‌سنجی معرفت و بازشناسی خطاهای محتمل و علل وقوع خطا در آن و مقارنه رهیافت‌های گوناگون به معرفت دین و دیگر احکام کلی پدیده معرفت دینی، نیازمند یک سلسله مطالعات فرانگر عقلانی هستیم که باید در هیأت یک دانش مستقل سامان یابد؛ چنین دانشی را فلسفه معرفت دینی می‌نامیم. در این صورت فلسفه معرفت دینی عبارت خواهد بود از: دانش عهده‌دار مطالعه فرانگر عقلانی که محصل کاوش موجه برای کشف دین است.

وی با اشاره به اینکه فلسفه معرفت دینی از جمله فلسفه‌های مضاف است، اظهار کرد: فلسفه به 3 قسم؛ عام، خاص و مضاف تقسیم می‌شود و فلسفه مضاف خود به 2 قسم فلسفه علوم و فلسفه امور و مقولات کلان تقسیم می‌شود. طبق این دسته‌بندی، فلسفه معرفت دینی جزو فلسفه مضاف به فلسفه علم است که به بررسی معرفت دینی در انسان می‌پردازد و بنابراین دانش درجه 2 محسوب می‌شود.

وی با اشاره به گستردگی قلمرو موضوعی فلسفه معرفت دینی و اهمیت فوق‌العاده مباحث آن، تصریح کرد: هنوز این معرفت‌ارزشمند در جهان اسلام و غیرآن به‌صورت یک دانش مستقل سامان نیافته است، اما برخی مسائل مربوط بدان و مباحث مرتبط به آن را کم‌وبیش به‌طور پراکنده می‌توان در خلال آثار و علوم رایج دینی یافت. بنده معرفت دینی را به آنچه از نفس و ذات دین به دست می‌آید، اطلاق می‌کنم. آن بخش از تجربه دینی اگر واقع‌نما باشد، از خود دین است و مابین معرفت دینی و نفس‌الامر دین تفاوت قائل هستم.

اگر کسی با مبدأ مرتبط باشد خود دین را به دست می‌آورد و دیگران که با واسطه با مبدأ مرتبط هستند به معرفت دینی دست پیدا می‌کنند. طبعاً آنچه بلاواسطه به دست‌آید بالاتر است. اما بنده معرفت دینی را متفاوت با دین نمی‌دانم؛ اگرچه در 2 مقام مختلف هستند. غیر از انبیاء (ع) و اولیاء پلّی جزء معرفت به دین نداریم. آنچه ما به دست می‌آوریم معرفت است. اگر معرفت به دست آمده به اصل دین اصابت کند، ما این معرفت دینی را مقدس می‌شماریم.

پس از اظهارات حجت‌الاسلام رشاد، & #171; تام کریسپ & #171; از دانشگاه بیولا با ارائه مقاله خود با عنوان & #171; درآمدی بر براهین فلسفی الحاد؛ گفت: اجازه دهید بگویم که برهان فلسفی درباره الحاد، می‌تواند از هر نوع برهان مبتنی بر قضایای فلسفی انتزاعی باشد. قضایایی از این دست که از سوی فیلسوفان دنبال می‌شود و به موضوعات انتزاعی ارتباط دارد، از علائق روزمره

زندگی به دور هستند. در این مقاله اعتراضی کلی علیه اقامه چنین براهینی بر له الحاد خواهم داشت. اعتراض بنده عمدتاً از براهین مبسوط تکامل‌گرای &#171;؛ اولین پلانتینگا؛ علیه طبیعت‌گرایی الهام گرفته است.

### بررسی تطبیقی براهین کلارک و ملاصدرا

نشست اول برنامه صبح با سخنرانی دکتر سیدحسن حسینی، دانشیار گروه فلسفه علم دانشگاه صنعتی شریف پایان یافت. وی با ارائه مقاله &#171;؛ بررسی تطبیقی وابستگی براهین کلارک و ملاصدرا در اثبات وجود خداوند به براهان جهت کافی؛ تصریح کرد: پس از بحث مختصر درباره انواع گوناگون اصل جهت کافی اثبات خواهم کرد که برداشت سنتی کلارک از براهین جهان‌شناختی برای وجود خدا ریشه در اصل جهت کافی دارد، در حالی‌که از براهان صدیقین ملاصدرا بر هیچ قرائت ضعیف یا قوی از اصل جهت کافی مبتنی نیست.

وی افزود: این مقاله را در 3 بخش تنظیم کردم؛ بخش اول در مورد اصل جهت کافی و اهمیت آن در ارتباط با براهین اثبات وجود خدا، به‌ویژه براهین جهان‌شناختی است. بخش دوم درباره تقریر کلارک از براهان جهان‌شناختی و اتکالی این تقریر به اصل جهت کافی است. بخش سوم و نهایی مقاله درباره براهان صدیقین ملاصدرا در اثبات وجود واجب‌الوجود به‌عنوان براهان مشابه با آنچه ماهیت براهین جهان‌شناختی را تشکیل می‌دهد و عدم‌اتکالی آن به اصل جهت کافی است.

در ادامه این همایش در نشست دوم که از ساعت 11 صبح آغاز شد، دکتر حمیدرضا آیت‌اللهی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و استاد فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی با ارائه مقاله خود با عنوان &#171;؛ عقل و به کلی دیگر بودن خداوند؛ به سخنرانی پرداخت. وی در ابتدای سخنانش گفت: &#171;؛ به کلی دیگر بودن؛ خداوند مستلزم مشکل اساسی در به کارگیری تجربه به‌عنوان رویکردی معرفت‌شناسانه برای فهم و استدلال بر وجود خداوند و همچنین فاعلیت او برای هر چیزی در عالم است. اگر بر این باور باشیم که هرچیزی وجودش را از خدا دارد، نمی‌توانیم نمونه‌ای از اینگونه معطی وجودی در جهان تجربی بیابیم.

وی با اشاره به اینکه در این مقاله سعی کردم نشان دهم که عالم اعطای وجود و عالم تجربه کاملاً متفاوت از هم هستند افزود: اگر عالم اعطای وجود و عالم تجربه کاملاً متفاوت از هم باشند، نمی‌توانیم معرفت‌شناسی تجربی را برای عالم اعطای وجود به کار ببریم تا درکی یا استدلالی برای وجود معطی وجود داشته باشیم. با اشاره به شکاف بنیادین بین این دو نوع عالم استدلال خواهد شد که تنها چیزی که می‌تواند به هر 2 عالم قابل استناد باشد عقل است، سپس نشان داده خواهد شد که ایده‌های عقلی، همچون وجود، علیت، ضرورت و وحدت وجود دارد که قابل استناد به هر جهان ممکن است؛ در نتیجه معرفت‌شناسی دینی باید آنها را در هویت عقلی‌اش برای استدلال بر معطی بودن خداوند به کار برد.

رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در ادامه سخنانش با اشاره به اینکه حقیقت وجود اصل است و ماهیت به تبع آن شناخته می‌شود، تأکید کرد: چون حقیقت وجود اصل است و ماهیت به تبع آن شناخته می‌شود، لذا باید وجود به درستی درک شود و وجود را می‌توان از طریق تجربه یا عقل، شناخت که اگر حقیقت وجود با یک حقیقت عقلی محض شناخته شود نه تنها انسان به حقیقت وجود راه می‌یابد، بلکه این حقیقت را می‌یابد که این حقیقت مربوط به تمام عالم است، حتی خداوند.

وی با اشاره به اینکه اگر نقطه عزیمت در شناخت خداوند از تجربه باشد دچار مشکل می‌شویم تصریح کرد: اگر بخواهیم از عالم تجربی به عالم وجود عبور کنیم، مهم‌ترین وسیله حقایق عقلی هستند؛ با این حقایق هم عالم تجربه و هم عالم وجود را می‌توانیم درک کنیم. مهم‌ترین ابزاری که می‌تواند همه جهان‌های ممکن را در بگردد عقل محض است و اگر نقطه عزیمت در شناخت خداوند از &#171;؛ تجربه؛ باشد دچار مشکل می‌شویم، ولی اگر نقطه عزیمت را &#171;؛ عقل؛ قرار دهیم می‌توانیم به خوبی وجود، صفات و افعال خدا را شناسایی کنیم.

دیگر سخنران این نشست، عباس یزدانی، استادیار فلسفه دین دانشگاه زنجان بود. وی در ارائه مقاله خود با عنوان &#171;؛ توجیه معرفت‌شناسانه شناخت بی‌واسطه خداوند از دیدگاه فیلسوفان اسلامی؛ تصریح کرد: در دهه‌های اخیر تئوری‌های برون‌گرایانه‌ای معرفت و توجیه توسط فیلسوفان انگلیسی-آمریکایی بسط یافته است، در عین حال برخی معرفت‌شناسان ادعا می‌کنند که توجیه معرفتی درونی و بی‌واسطه است و عوامل توجیه‌گری باید توسط فاعل شناسایی به‌طور بی‌واسطه درک شوند. همچنین رهیافت به توجیه معرفتی، باید مبتنی بر امری نظیر صفت بی‌واسطه باشد. این بی‌واسطی باید با حضور، ادراک شود. این شناخت پیشینی است و مبتنی بر هیچ نوع عوامل تجربی از جهان خارجی نیست.

وی با بیان اینکه هدف اصلی مقاله‌ام دفاع از این آموزه است که ما انسان‌ها از طریق معرفت حضوری می‌توانیم نوعی آگاهی بی‌واسطه و مستقیم از خداوند داشته باشیم، تأکید کرد: اگر این اعتقاد که ما انسان‌ها از طریق معرفت حضوری می‌توانیم نوعی آگاهی بی‌واسطه و مستقیم از خداوند داشته باشیم، ثابت شود می‌توان نتیجه گرفت که این نوع شناخت بی‌واسطه می‌تواند باور به خداوند را توجیه کند. در حالی‌که برخی از متفکران قبل از ملاصدرا از معرفت حضوری بهره برده‌اند، اما صدرا المتألهین نخستین فیلسوفی بود که کوشید تا برای این نوع شناخت یک نظام فلسفی تنظیم کند. در واقع شناخت حضوری نقش عمده‌ای در معرفت‌شناسی ملاصدرا ایفا می‌کند. در این مقاله نشان می‌دهم که معرفت حضوری در این خصوص چگونه کاربرد دارد و نقش معرفت حضوری در معرفت‌شناسی دینی تا چه اندازه است.

همشهری آنلاین- سید حسین امامی